

۷- آرایه‌ی «متناقض‌نما» در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی دیده می‌شود.

(۱) نماز در خم آن ابروان محرابی

کسی کند که به خون جگر طهارت کرد

(۲) دلق گدای عشق را گنج بود در آستین

زود به سلطنت رسد هر که بود گدای تو

(۳) ز فکر تفرقه باز آی تا شوی مجموع

به حکم آن که چو شد اهرمن فروش آمد

(۴) دعایی گر نمی‌گویی به دشنامی عزیزم کن

که گر تلخ است، شیرین است از آن لب هر چه فرمایی

۸- در کدام گزینه، آرایه‌ی «متناقض‌نما» مشاهده می‌شود؟

(۱) دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار

گوشه‌ی تاج سلطنت می‌شکند گدای تو

(۲) شاه‌نشین چشم من تکیه‌گه خیال توست

جای دعاست شاه من بی‌تو مباد جای تو

(۳) شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر

کاین سر پرهوس شود خاک در سرای تو

(۴) ای گل خوش‌نسیم من بلبل خویش را مسوز

کز سر صدق می‌کند شب همه شب دعای تو

آرایه‌ی متناقض‌نما این است که دو موضوع ظاهراً متناقضی که غیرقابل جمع‌اند در یک‌جا و در یک معنی عقلایی همکاری و سازگاری دارند، مانند دولت فقر و شولای عریانی و... . در بیت «دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار / گوشه‌ی تاج سلطنت می‌شکند گدای تو»، گدای تو از سر فقر و افتخار، گوشه‌ی تاج سلطنت را می‌شکند، یعنی گدای تو از سلطان هم بالاتر عمل می‌کند و نهایتاً یعنی گدا، سلطان است و به این ترتیب دو موضوع غیرقابل جمع (گدا و سلطان) درهم می‌آمیزند و یکی می‌شوند.

۹- در کدام بیت، آرایه‌ی تناقض به کار رفته است؟

(۱) بنالد جامه چون از هم بدری بگرید رز چو شاخ او ببری

(۲) فلک در خاک می‌غلتید از شرم سرافرازی اگر می‌دید معراج ز پا افتادن ما را

(۳) گر هزار است بلبل این باغ همه را نغمه و ترانه یکی است

(۴) که گفت برو دست رستم ببند؟ نبندد مرا دست چرخ بلند

در بیت مورد سؤال واژه‌ی معراج به معنی متعالی شدن و بلندمرتبه گشتن و بالا رفتن است که بلافاصله پس از آن «ز پا افتادن» با معنی متناقض معراج مطرح شده است. همچنین شرم سرافرازی نیز پارادوکس دارد.